

تازه ترین خبر ها

از خبر درازی انکاس بی از آخرین بیشرتی که آلمانا دو رده اند ، اوضاع استانیگراد فون الماده و یوگسلاوئه خپار اطلاع دهه آلمانیا پس از رؤیای فون الماده شده بن حد بار دیگر نیروی شوروی و خب زده در پک کوی

در تکران خارجی مشیر اینست که نیروی های مدافع ارتش نکرد با همه فداکاریها و جادشاییاتی که برای تقویت آن و ضلوف الماده شده علاوه خف آلمانیا که می دانه پ های سرد و منبذ خلاص شده در شهر استقرار یافته بر فشار نیروی مهاجم بر نیروی مدافع افزوده شود .

به برلی کله به یادگان محاصره شده مرکز شهر حلات به هنوز نتیجه قطعی آن بدست نیامده است .

شروع هجوم رومستان نا حدی باعث زحمت آلمانا خواهد قابل توجه است که در اتریش بعد از اموال رود ولکا و در آن رودخانه حمل و نقل ارتش خودی بیشنایت دغوار

شپا نیز نیوان پهلپن دلیر آن شهر کبکی رساند . در این جبهه زد و خورد های سخت نیروی دشمنی و نیروی

لشاره دوبا هنوز تیراندازی های شده بین هوا پیا های متقابل کشیبا و ساحل ادامه دارد و پایان نیامده است .

مختلف هنوز در باره نتیجه حمله دشمن اظهار نظری نکرده ارتش هشتم از لحاظ مهمات و افراد برتری کامل دارد .

گوشش های سیاسی

اصناف باروز مخصوص ناوگان ابرکارول نامه ای بستان اداری نگاه و طی آن خاطر نشان نموده است که نیروی که منظور و آرمسان مارا با نهایت مراقبت انجام دهد و تمام قاطع جان ببرد ، داخه است رئیس جمهوری آمریکا گشان ناو دان و بطور کلی درود به بکشمه روس میلیون منعمه امریکای شمالی اعلام داده که از صلیب منعمه که به کمال مبادت رادارد و کمالا خنجره اهمیت این عملی ی نوع بشر میشود .

تنگی که در برابر وادو ایراد نموده بود ایجاد جنبه جاریه این فکر را که متفقین دست مختلف حتی کشور های دو جبهه دوم تسلیم شده اند بکلی از خاطر خود مهر کدم ی اما نه کی خود مردان بلند پایای اهرام دوزیم که اعدا داشته باشد که کافیه سبکی را برایش بهور امریکا اطلاع کامل مربوط و متعلق جانی باشد و اگر این اراضی وسیع آورد ما نیز آنجا دچار شکست خواهیم شد و منظور ط بانگستان باشد و اگر ماترانی به نیروی اسلحه و هم بین داده ایم ادا اما نه کلب کشور صلح جو دچار شکست

رستان رضانور

دانشگاه و امراض زانه - امراض داخلی - خان گوش نظر متعصبین دایر و از مرضا بذرانی منبذ جملان بن جانا و مالیه و بستر می شود بزرگ انکمن سیلواستان مراجعت مرضا حاضر است . ۲۰۰۳ ش ۱۱۲۷

نهران خیابان شاهرضا

آگهی

لنگرگاه و تلفت در شایب آگهی مورثه ۲۱۳۱۶ در نامه هایک به نامه کشور های بکانه از سال مگرود فرستاده در پشت پاکت فید و در جوی پاکت تصریح شود است و نیز در ذیل لنگر افات باید نام و نشانی متعلق ۱۱۵۰ ۲-۲

وزارت بست و لنگر اف و تلفن

ی اداره - لاهار مورثه نهران

۶۰۴ تک شماره در دهه جا ۵۵ دینار

جایخانه تجدید ایران

مقال کرده اند لازمست مرض کش که به نام مقامات از ایک میگویند اسامی بیشتر مردود شده است طبعیت ندارد ویر اید منجید به اینکه امتحانات شهریور را . طبعه اینکه در امیرای ایستیکه بدینسان مردودین خردامه طیاره بکند و غیر طبیعی بوده اجازه داده خود مامور در امتحان هر کس

پیشگی وزارت فکانه اسامی مردودین هم در امتحانات است خد که مردودین بنظر زیاد باید . بیاوه در یقررته میشود ولی در شهریور یقررته میشود و غایر که تعجیلات منظمی ندارند و اینست که نتیجه امتحانات

و فانی و گذشت و سامعه غیلی وواج دارد و اوضاع را غیر باعث می شود که قوانین را تصور که باید منظم نیاید

تیم و به آیین های مذهبی و ملی و اصول چندانی بانه نیلیم تمه طیده دارم که باید بانه امتان فرهنگی متوصل شود

ت وادو حسن اوابی مرضی خواهم رساند و نه ناخدا در ناخاهای سودا و به اندام نهادهم بنده ام مفور دار

بلای بیانات مفصلی در خصوص بدهی اوضاع فرهنگ نموده اسخ مشورعی اظهار داشتند .

و در باره مدارس قدیمه و اینکه بوجه اوقالی آموخته و زنی بود و از وزارت فرهنگ حاضر اند و سه هفت ترحیم سالار امداد شده در باره سایر مدارس قدیمه دیگر

ت رای گرفته و تصویب شده پیشه اوقات فراغت و در اطراف

غایت در خصوص ایجاد دوره نگزی جهت دانشکده سق

پسند از ظنیر جلسه غنم و جلسه آینه پرسوز باغ شت

برحمت

حافظ چه میگوید؟

۳ - حافظ چها بداند

در زمان حافظ دو ایران چند رفته داش و آگاهی از نیک و بد و واج داشته است که اینک فهرست او می شماریم :

۱ - مر آن و قدر آن و دستور های اسلامی

۲ - فلسفه یونان و بافنه کپای کهن و نویسندگان

۳ - صوفیگری و بت آموزی های بی پایان صوفیات

۴ - خرابابگری و بد آموزی های زهر آلود آن

۵ - کناکش خرابابان پهلویان (این را شرح خواهیم کرد)

۶ - تاریخ ایران واقعه های آن (اداستان عشق و طیغم و حبس و اینها)

۷ - ستاره شاری باغام بیوم

۸ - صوفیگری و بد آموزی های بی پایان

حافظ به اینها آشنای داشت و باید گفت همین بوده که طیغم و خرد او را از کار انداخته و ستیز را آخته گردانیده . زیرا

چنانکه بارها گفته ایم بکلی از بیژرانی که خرد او را از کار می اندازد و متزرا آخته میازد را گرفتن اندیشه های منطد و

ناماز گزاراست کبیکه گفته های خرابابان و بد آموزی های صوفیان و دستور های اسلام را در منزل خرد چاییده پایا به پیش

چندان بیرونه باشد که میانه آن سخته خدمت ملوری کند و یکی را بفرده و

آهنگرها را برانه از و پاناکری است که بکرم و خرد او در میان آنها مردمانند

و حکم کم بیکاره خواهد گردید بویژه که حافظ باره می نویسد و در این کارانه از نگاه نیندیده که این انیکره دیگری

بشود که می نتز او بوده که کما بیکرم و نویسد او اری و میانه چیر

های دیگر است بهتر است شمرای شاهر را بپروانه و دروغگوئی خود را همیشه

شاهر دوام های بسیاری تصریح می کند که مقصودش همان می است که از انکور

صاف می شود و رنگینی فرم می باشد . چوید گرم و نو چه فیه باره خوریم

واده از خون و زاست از خون شامت جسال دختر روز دور چشم ماست مگر

که در حساب ندهد و برده همین است آن تغوش کصوفی المالباشش سواره

احلی لسا و افشی من قلیله السنداره بهرحال حافظ در شعر سرودن زانه

این دانشا بهره می جسته . او که بکانه نمودش غزل سرودت بوده برای این

کار غنصت کلبه های دلیرا نوشا و سپس با صفت کلبه های آرا شمری گردانیده

و در این سواه گهی از قرآمت و اصطلاحات آن استفاده می نموده

و مصعب رخ دلدار آیتی برخواست که آن جان مقامات کشف کشاست

کاهی از انکه بیوان بهره می جسته به از اینم بروت فانی دو جوش مرد

که دهان و بدین بک خوش استندالیت گاهی از باغه کوی صوفیان بهره می

می نموده مصعب چیره جانب می شود غبار نتم

خوش آدمی که از این چیره بهره برکنم کاهی خرابابگری گردانیده کنی

های بسیاری می کند حجت از مضر بودی کور را و در کترو

که کس نکشود و نکشاید بیکس ازین صارا گاهی با صوفیان مرکز کشاکش

گردیده مزارش می نلزد مصلحت نیست که از پرده برون انده واز

و در ده جاش و ندان خبری نیست که بست گاهی از انکه های ابرای استفاده

در بر امون در مان

آقای کسروی من قضا رمان را اجمالا توصیف و نتیجه اش را بازنموده

در می گذرم - داوری در اطراف آن با خواننده گان بی عرض است .

الف - خود رمان نویسی میدارد که دروغ قالب می زند .

ب - خواننده هم میداند که آن چه میخواند راست نیست .

ج - ذبیح اغلب رمانها عشق و لغت است که چر نمیکند دختران و پسران عشق های ساحکی و ناایست

تیجه در بر نمیدارد . د - رمانهای آمیخته با تاریخ نیز

بطوری که خودشان سابقا بار ندرده اند کج گفته است زیرا خواننده نمیتواند

تشخیص دهد کدام قسمت آن رمان یعنی انسان و کدام بخش تاریخ می باشد و در

بأن می ماند که شط و فرنگ را بهیچینه بگویند جدا گردانید .

ه - رمانهای فنی قرتی که با کتاب ابرار و رمان و انشائی میازد نیست که

مطالب آن گنجا همه خرافات و بیژرانی بارز نکردنی است که عوام را خرافاتی

و معتد بهیر های خرد نابین می کند ولی مطالب این رمانها دختران و پسران را

سوق میدهد . با این همه معایب چر ارمغان

نوشته و خواننده میشود : ۱ - شهرت طبعی و سود جویی

رمان نوی و حکمتی که اجازه چاپ آن را می گیرد زیرا نظر این نیست که مردم

بجای آن آشنا شوند بلکه فرس نام آوری و مال آسوزی صرف از اینها میباشد .

۲ - وسوسه و پیشتر جوابات شانواده تشکیل داده میخواند و این

برای آنست که غالب طایب آرا از نظر شپوت به اعراض خود می بیند اگر از

نگذردیم باعث بدبینی پیش جوانان شهری همین خواندن رمان میباشد . بعلل آنکه

جوانان دهانی چون فرانس می و رمانند اندازد از زهنگر جوانی اغلب صمیم

و سالم می گردند . این و وزارت فرهنگ است که از

راه اندوزی محل توده جوان از بیخ جلر چاپ و پیش رمانها را بیکرد و حتی اگر

در خانه پنهانند آن را به پند فانی ضبط نماید . از این چیز های گمراه کننده و

اندیشه خراب کن است که باید بهر مردم و مصور باشد نه نای و آب و خوراکی

ها و پوشاکها و سایر درویش های زندگی که از انحصار آنها مردم پیشی

و نسکی افته متاسفانه در ایران و بیشتر از سالک جهالت فیه بوجکسی من شده

و حکمی بود و زبان این دو موضوع که کدام باید آزاد و کدام باید دواصهار

پایه رسیدگی نگردانده است .

۲ - دافقان - لیری

برچم و وزارت فرهنگ از دست جلر گیری نمی جسد و نخواهد صفر

جلر گیری را ما باید بشیم . ما باید هر رمانی که بدستمان افتد درون پیشانی

بیاوریم . ما باید دختران و پسران خود را از خواندن رمان باز داریم . هر کاری

را باید خودمان کنیم نه از دولت یا از دیشری چشم داریم . از راه تربیت

است و چسب سوزان ما اسامی ب خجوهی از سالی دیشر خواهد بود .

گهی اوساره صدی نشت می لیرد پشیر حرم به صحنی و حب سوز

نه صحنی را بر سر بر سر است دخی چیر صحنی بر دانه صحنی

می نلزد صحنی می چو حرایب برده است

و در این صحنه مرا راهم پشیر چه کنه گفته از این صحنه در سبکی وار

افسانه ملو و بیل و از نشانی یاده رسده و پشیر مانده اینها با استفاده می بردارد

کاهی نیز پشیرا بر نشاندنی می کند

مقاله یکم - شماره ۲۲۰

خرده گیری و پاسخ آن

در سال ۱۳۲۷ و پس از آن ، دشمنی آزادیخواهان با ملایان بهانه ای بود که می

یاد دارم در تبریز که هرگز آزادیخواهی ایران شده بود سبیلری از ملایان از خانه بیرون می آمدند و بپای صامه کلاه پسر می گردانده . لیکن در

آنها چوب سیاه روس در ایران بود و دوست اندازی روس از آن خود و نکلی که در میان آزادیخواهان می دیده می شد و بطوگیری از آنان می گویند از

راههای نهانی بهیچدی پشت فرمی میداد نه این خود داستان دیگری داد که من در اینجا می می راندم . بیسی میس که در سالی ۱۳۲۹ دولت روس السانم بایران

داد و در سالی ۱۳۳۰ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۳۱ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۳۲ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۳۳ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۳۴ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۳۵ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۳۶ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۳۷ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۳۸ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۳۹ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۴۰ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۴۱ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۴۲ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۴۳ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۴۴ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۴۵ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۴۶ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۴۷ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۴۸ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۴۹ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۵۰ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۵۱ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۵۲ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۵۳ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۵۴ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۵۵ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۵۶ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۵۷ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۵۸ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۵۹ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۶۰ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۶۱ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۶۲ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۶۳ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

مقاله یکم - شماره ۲۲۰

خرده گیری و پاسخ آن

در سال ۱۳۲۷ و پس از آن ، دشمنی آزادیخواهان با ملایان بهانه ای بود که می

یاد دارم در تبریز که هرگز آزادیخواهی ایران شده بود سبیلری از ملایان از خانه بیرون می آمدند و بپای صامه کلاه پسر می گردانده . لیکن در

آنها چوب سیاه روس در ایران بود و دوست اندازی روس از آن خود و نکلی که در میان آزادیخواهان می دیده می شد و بطوگیری از آنان می گویند از

راههای نهانی بهیچدی پشت فرمی میداد نه این خود داستان دیگری داد که من در اینجا می می راندم . بیسی میس که در سالی ۱۳۲۹ دولت روس السانم بایران

داد و در سالی ۱۳۳۰ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۳۱ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۳۲ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۳۳ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۳۴ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۳۵ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۳۶ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۳۷ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۳۸ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۳۹ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۴۰ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۴۱ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۴۲ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۴۳ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۴۴ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۴۵ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۴۶ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۴۷ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۴۸ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۴۹ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۵۰ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۵۱ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۵۲ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۵۳ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۵۴ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۵۵ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۵۶ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۵۷ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۵۸ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۵۹ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۶۰ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۶۱ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۶۲ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری

و در سالی ۱۳۶۳ در تبریز سبیلری بر رخ داد و مهاجر های وادو غیر سبیلری



این اهدا به از گروه

موم شش در آواز جانش

متر ، ه و در سالهای کم

دوم در سالی در بازو

و در سالهای کم

